

گزارش



روایت اصحاب رسانه از حادثه تروریستی گلزار شهدای کرمان

سید پویا هاشمی حفظ آباد
دبیر گروه گفت‌وگو و گزارش

جنایت تروریستی عصر ۱۳ دی ماه شهر کرمان، در مسیر برگزاری آیین گرامیداشت چهارمین سالگرد حجاج قاسم سلیمانی رخ داد و این حادثه منجر به شهادت و مجروح شدن تعدادی از زائران بارگاه حاج قاسم، از اقصی نقاط کشور شد. حال در این گزارش برای کشف روایتی درست و دست اول از روز واقعه، به دیده‌ها و شنیده‌های خبرنگاران، تصویربرداران و فعالان فضای مجازی حاضر در صحنه می‌پردازیم.

حاضر در صحنه مدعی شدند که این انفجار از کپسول‌های گاز بوده است، اما هیچ مقام رسمی این خبر را تأیید نکرده بود. در پی ازدحام جمعیت در محل انفجار، تعدادی از هموطنان دچار مصدومیت شده بودند که بلافاصله به مراکز درمانی منتقل شدند. در حوالی ۱۵ بود که دومین انفجار در همین محل رخ داد و به فاصله ۱۰ دقیقه پس از انفجار اول بود. در دقایق ابتدایی این حادثه معاون استاندار کرمان در نخستین واکنش رسمی اعلام کرد که هنوز مشخص نیست علت انفجار ناشی از انفجار گاز یا حمله تروریستی بوده است اما با گذشت زمان، ابعادی از این حادثه معلوم و اعلام شد. ساعت ۱۶ گذشته بود اما هنوز گمانه‌زنی‌ها درباره تروریستی و انتحاری بودن یا انفجار کپسول گاز مطرح بود تا اینکه برخی از منابع مستقر در کرمان که در صحنه انفجار حضور داشتند، اعلام کردند که در ورودی گلزار شهدای کرمان، دو کیف بمب‌گذاری شده وجود داشته است که عامل یا عاملان این حادثه ظاهراً باریموت بمب‌ها را منفجر کرده‌اند. در خیابان شهدای کرمان که مسیر اصلی برای رسیدن به گلزار شهداست با بعضی از مردمی که بدانشهر آن روز در گلزار حضور داشته‌اند، هم‌کلام شده‌ایم: آنها روایت‌های دردناک و جانسوزی

جنایت تروریستی کرمان عصر ۱۳ دی ماه در مسیر برگزاری آیین گرامیداشت چهارمین سالگرد حجاج قاسم سلیمانی رخ داد و این حادثه منجر به شهادت و مجروح شدن تعدادی از زائران بارگاه حاج قاسم عزیز، از اقصی نقاط کشور شد. حاج قاسم جمله معروفی داشت که می‌گفت: «ما ملت شهادتیم، ماملت امام حسینیم». حالا که مشغول تنظیم این گزارش روایی هستیم بیش از هر کلام دیگر در گوش من تکرار می‌شود. شمار شهدای حادثه تروریستی ۱۳ دی ماه گلزار شهدای کرمان تا به این لحظه که این گزارش نگارش می‌شود به حدود ۹۰ نفر رسیده است و حال برخی از مصدومان هم وخیم‌گزارش می‌شود. دقایقی از ساعت ۱۵ عصر (چهارشنبه، ۱۳ دی ماه) گذشته بود که خبری از شنیده شدن صدای انفجار در مسیر منتهی به گلزار شهدای کرمان و در مراسم سالگرد شهادت سردار سلیمانی منتشر شد که طبق اعلام برخی خبرگزاری‌ها، سبب رعب و وحشت مردم شد. دقایقی بعد اعلام شد که این انفجار در نزدیک مسجد صاحب‌الزمان و زیرگذر گنبد جلیله رخ داده است، نیروهای امنیتی در حال حرکت به سمت محل انفجار هستند و برخی افراد

انفجار اول با روایت زهرا چخماقی

حال بهتر است برای شنیدن روایتی درست و دست اول از روز واقعه، به دیده‌ها و شنیده‌های خبرنگاران، تصویربرداران و فعالان فضای مجازی حاضر در صحنه بپردازیم. روایت زهرا چخماقی، خبرنگار صداوسیما جمهوری اسلامی، یکی از حاضران در صحنه حادثه انفجار تروریستی که در ایام منتهی به سالگرد حاج قاسم سلیمانی در شهر



کرمان مستقر بودند و اندکی قبل از وقوع انفجار در محل حادثه حضور داشتند، شنیدنی است: من روز واقعه در صحنه انفجار بودم و شاید نهایتاً در صد متری آن فاجعه‌ای که رخ داد، حضور داشتم. هنوز هم صدای انفجار همراهم هست و تلخ‌ترین تصاویر زندگی خود را در آن روز دیدم. ما هم همچون سایر زائران مزار شهید حاج قاسم در آخرین منطقه‌ای که خودروها می‌توانند در آنجا توقف کنند، از ماشین‌ها پیاده شده و سپس وارد خیابان گلزار شدیم.

خیابان گلزار در پایان منتهی به گلزار شهدای کرمان است. خیابان گلزار، یک خیابان نسبتاً طولانی است که دو طرفش را درختان کاج پوشانده است. این خیابان چند تقاطع دارد که مادر اولین تقاطع به سمتی غیر از مسیر اصلی حرکت و سپس توقف کردیم. در آن نقطه با جمعی از همسکاران خبرنگار و فعالان فضای مجازی قرار داشتیم که در گوشه‌ای مشغول صحبت کردن شدیم.

ما در فضایی مسقف که متعلق به شهرداری بود و تعدادی میز و صندلی در آنجا مستقر بود، نشسته بودیم و لی‌لی محیط بیرون، فاصله زیادی نداشتیم. فرض کنید اگر در آن اتاق بازی می‌شد، صدای عزاداری موبک‌ها کاملاً واضح به گوشمان می‌رسید. مادر حال صحبت بودیم که ناگهان چنان صدایی در فضا پیچید که همه شوکه شده بودیم. همه چیز قطع شد. برای لحظاتی همگی غافل از اینکه چه اتفاقی رخ داده، شوکه شدیم. میبوهت مانده بودیم که چه اتفاقی افتاده است. تا لحظاتی که به خودمان بیاییم، از آن محوطه بیرون زدیم و فقط صدای جیغ و فریاد بود که شنیده می‌شد.

صدای بوق ماشین‌ها، آژیر آمبولانس‌ها و همه‌همه زن و بچه بود که شنیده می‌شد و دود همه‌فضا را گرفته بود. من تا خودم را پیدا کنم و تصمیم بگیرم با گوشی موبایل تصاویری ضبط کنم، شاید پنج دقیقه‌ای طول کشید. در حال حاضر که گوشی خودم را چک می‌کردم،

متوجه شدم اولین ویدیویی که ضبط کردم در ساعت ۱۴:۵۵ است و شاید پنج دقیقه‌ای بعد از اولین انفجار آن را ضبط کرده بودم. در آن لحظات تنها فرار مردم وحشت‌زده بود که توجه من را به خودش جلب کرده بود. فرار و وحشت زن‌ها، بچه‌ها و مادرانی که دست بچه‌های خود را گرفته بودند و می‌دویدند و نمی‌دانستند به کدامین سو فرار کنند که شاید آن نقطه کمی امن‌تر باشد.

توصیفی جزو آن روز قیامت، اهمیت و عمق این فاجعه را به مخاطبان نمی‌رساند. واقعاً صحنه عجیب و تلخی بود. من مدام در پس ذهنم فکری کردم که شاید آن اتفاقی که تلخ‌ترین بود، رخ داده است. متأسفانه آن جنایتی که برای همه ما تلخ بود، رقم خورده بود. من کمی فاصله گرفتم تا تصاویری بگیرم و در این بین با مردم گفت‌وگویی داشتم، ولی همکاری که در محل حاضر بودند، هر طوری که شد خودشان را به نزدیک‌ترین نقطه وقوع انفجار رسانده بودند.

متأسفانه در آن لحظات، تصاویر دلخراشی را شاهد بودیم. دختر بچه، مادر، نوجوان، پیرو پسر بچه هر کدام به گوشه‌ای افتاده بودند. در حال حاضر که این اتفاقات را برای شما شرح می‌دهم، مدام تصاویر جنازه‌ها در ذهنم مرور می‌شود. سعی می‌کردم از اطراف حال و هوای آن خیابان را گزارش کنم. یادم هست که بعد از انفجار اول با خواهرم تلفنی صحبت کردم. به آنها اطلاع دادم که اگر دسترسی به خیابان‌های اصلی سخت باشد، شاید به پرواز عصر نرسیم و اینکه نگران من نباشید.

لیاس سفید قرمزهایی که برای کمک مردم آماده بودند

همانطور که مشغول صحبت کردن بودم، ناگهان صدای انفجار دوم آمد. شروع کردم به فریاد زدن و به خواهرم گفتم: باز صدای انفجار آمد، دوباره منفجر شد. خواهرم زیاد متوجه شرایط نشد زیرا تلفن‌ها زیادی قطع و وصل می‌شدند. تلفن را قطع کردم و تنها کاری که می‌توانستم انجام بدم، ضبط پلاتو و شرح شرایط منطقه حادثه بود. همان لحظه یک پلاتو ضبط کرده و برای همکاری‌مان در تهران ارسال کردم. نیروهای امنیتی و بچه‌های هلال احمر همگی سعی می‌کردند هم به مردم کمک کنند و هم امنیت محیط را فراهم کنند. سعی داشتند مردم را از محل دور کنند و از مردم می‌خواستند کنار ماشین‌ها و سطل زباله‌ها تجمع نکنند: آنها می‌گفتند شاید خطرناک و خطرآفرین باشد.

ماسه‌روز در شهر کرمان مستقر بودیم. در این سه روز، دومرتبه در شب و یک مرتبه هم برای روز شهادت یعنی روز ۱۳ دی ساعت ۱۴:۱۵ برای زیارت مزار حاج قاسم به گلزار آمده بودیم. حدوداً ۲۰ دقیقه‌ای بود که بعد از رسیدن ما به محل این اتفاق رقم خورد. امسال جمعیت بسیار زیاد و قابل